

وب سایت استاد موسوی



تاریخ روز : ۲۸ / ۰۶ / ۱۳۹۸

تاریخ ثبت : ۲۰ خرداد ۱۳۹۵

عنوان : منشأ حس در انسان

«بسمه تعالی»

منشأ حس در انسان

جلد نهم اسفار، صفحه 100؛ «و یؤید ما ذکرناه قول هذا الفيلسوف بعد الكلام الذى نقلناه فقد بان أن الإنسان الأول حساس إلا أنه بنوع أعلى و أفضل من الحس الكائن فى الإنسان السفلى- و أن الإنسان السفلى إنما ينال الحس من الإنسان الكائن فى العالم الأعلى العقلى.»

هنگامی که یک شیء را لمس می‌کنیم، نرمی یا زبری آن را می‌یابیم، «می‌بینیم»، بی آنکه بدانیم چگونه می‌بینیم؟ «می‌شنویم»، بی آنکه مکانیزم شنیدنمان را بدانیم! و... منشأ این یافتن‌ها از کجاست؟ اگر کمی عمیق‌تر بیندیشیم، با سؤالات گسترده‌تری روبرو خواهیم شد از جمله اینکه آیا نیروی حس فقط به عالم ماده مربوط می‌شود یا در عالم متافیزیک نیز از نیروی حس برخورداریم؟

اکثر محققان و دانشمندان زیست‌شناس یافتن‌های انسان را به «حس» تعبیر نموده‌اند و تعاریف مختلفی از آن ارائه داده‌اند. در ادامه بهتر است تعریفی از لغت «حس» ارائه دهیم: «حس» یعنی دریافت، ادراک، تأثر، آگاه شدن، اندریاب، شعور. (لغتنامه دهخدا.)؛ هر عضوی از بدن که تأثر آن موجب احساس مخصوصی بشود اندام آن حس به شمار می‌رود. از زمانی بس قدیم تا چندی پیش حکما تنها پنج عضو را دارای این خاصیت می‌دانستند و از این رو به پنج گونه احساس قائل بودند و آنها را به پنج حس بینایی، شنوایی، بساوابی، چشایی و بوپایی نسبت می‌دادند و به همین جهت در بسیاری از زبانها حواس ظاهری را «حواس پنجگانه» خوانده‌اند، در صورتی که این بیان درست نیست زیرا که شماره حواس ظاهری خیلی بیش از پنج حس است و حقیقت این نکته پس از پژوهش‌های تازه از لحاظ کالبدشناسی و روانشناسی مسلم گردیده است... (همان با اندکی تغییر.)

اما آنچه در ادامه این گفتار مورد بررسی قرار می‌گیرد منشأ حس و مسیر انتقال آن در بدن انسان است. گویند یگانه مرجع حس «مغز» است. در علم زیست‌شناسی مغز وظیفه اصلی مدیریت تن را به عهده دارد؛ دستگاه عصبی انسان با نورون‌ها هدایت تحریکات را بر عهده دارد و درک حس به وسیله دستگاه عصبی و نورون‌های مغزی انجام می‌شود؛ به محض اینکه ضربه‌ای به پوست وارد شود، نورون‌های عصبی واسط به‌عنوان مرجع اولیه و گیرنده، پیام‌ها را دریافت و به مغز می‌رسانند. مغز نیز پس از درک آن داده، با سرعت عجبی درد را به عضو ضرب دیده تحویل می‌دهد. مسیر انتقال حس در بدن انسان از شبکه‌های مخابراتی ساخته بشر گسترده‌تر، پیچیده‌تر و عجیب‌تر است؛ به‌طور مثال در تن انسانی که 70 کیلوگرم وزن و 170 سانتیمتر قد دارد، متجاوز از صد هزار کیلومتر رشته عصبی به صورت سیم‌های ارتباطی گیرنده و دهنده وجود دارد؛ تعداد این رشته‌های عصبی به حدی است که اگر سر هر یک از این رشته‌ها را به هم وصل کنند طول آنها به 50 هزار کیلومتر می‌رسد.

آری، آنچه تاکنون بیان شد بخشی از نظرات دانشمندان زیست‌شناس و ماده‌گرا در خصوص نیروی حس بود؛ اما اگر در معرض این پرسش قرار گرفتیم که «آیا حس صرفاً به عالم ماده مربوط می‌شود؟»، چه باید گفت. اگر پاسخ مثبت باشد، پس چگونه پس از مرگ عالم متافیزیک را می‌یابیم و فضای درون آن را حس می‌کنیم؟ یا حتی در همین عالم بر اثر قرارگرفتن در مسیر الهی میتوان به عالم معرفت عقلانی راه یافت و آن را درک کرد؟ آیا درک این موارد از طریق همین حس عالم ناسوت امکان‌پذیر است؟

باید دانست هنگامی که قلم فیلسوفی همچون حضرت صدرایی لوح اسفار را به نوازش درآورد، در نتیجه این نوازش، رشحات سینه محقق و فیلسوف مثاله استاد سیدعلی موسوی به تراوش آمده و جهانی نو به روی ما گشوده می‌شود و می‌یابیم که ما و شما در یک نوع از حس‌هایمان غرق هستیم و آنهم حس ناسوتی است. حس ناسوتی میان انسان و حیوان مشترک است و درواقع، هر جسمی که از مزایای طبیعت برخوردار است، از

حس ناسوتی نیز بهره مند است، اما ملاصدرا اندکی از جهان این حس فراتر رفته و پرده دیگری از حقیقت را برای ما می‌گشایند. ایشان در ذیل مراتب تجرد و کیفیت ارتقاء از مرتبه ماده می‌فرمایند: تجرد هم مراتبی دارد؛ حسی، خیالی و عقلی. هنگامی که انسان به نشئه تجرد و عقل ارتقا یافت احساس او از بین نمی‌رود. او باز هم احساس دارد، اما از نوع برتر از احساس حسی و جسمانی؛ با این تفاوت که احساس انسان عقلی بالذات است زیرا علمش حضوری است و احساس انسان حسی با ابزار (اعضای بدن) است زیرا علمش حصولی است. انسان حسی به گونه‌ای است که در آن واحد نمی‌تواند همه محسوسات را احساس بکند. در هر مکانی که قرار داشته باشد فقط محسوسات همان مکان را درک می‌کند، اما انسان عقلی مظهر «لا یشغله شأن عن شأن» است و دفعة واحدة تمام محسوسات را با هم احساس میکند.

ارسطو نیز در این زمینه گوید: انسان دو حس دارد؛ یک حس اعلی و دیگر حس سفلی؛ یعنی انسان علاوه بر حس ناسوتی حس جبروتی نیز دارد؛ آنگاه که انسان ناسوتی کانال دریافت حقائق و معرفت شود- که البته برای اینکه انسانی به این مرتبه برسد باید سالها در وادی فلسفه، حکمت و عرفان و تحت عنایات استادی والامقام قرار گیرد- حس ناسوتی او به حس عالی جبروتی تبدیل می‌شود؛ یعنی همین حس چون در قالب انسانی جبروتی قرار گیرد جبروتی می‌شود.

دریافتیم حس و درک انسان در این عالم با حس و درک در عالم عقلی و همینطور عالم متافیزیک برابر نیست. انسان حسی به مادیات و انسان عقلی به مجردات احساس دارد و دیدن، شنیدن، اراده و خواستن در عالم جبروت نسبت به عالم ناسوت در کمال بالاتری است.

اینجاست که ما میتوانیم بخشی از توصیفات را که در آیات قرآن یا روایات ائمه اطهار(ع) مبنی بر لذات بهشتیان و عذابهای جهنمیان وجود دارد تا حدودی درک کنیم. اینکه لذات در بهشت متفاوت از دنیا خواهد بود. توصیف حورالعین و غلمان در قرآن کریم به چه منظور است و مراتب زنان بهشتی چگونه است؟ مگر در آن عالم نیروی حس وجود دارد؟ پاسخ به اینگونه موضوعات در امر مذهب و دین علاوه بر دانستن مطالب فوق مستلزم درک مطالب ذیل است.

قابل توجه اینکه، طبق آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام هم عذاب در عالم متافیزیک است و هم لذت. هم آتش است و هم نعمت؛ هم وحشت است و هم انس و انیس و حور و غلمان؛ و ما این مطلب را به عنوان یک اعتقاد مذهبی تعبداً می‌پذیریم. اما اگر بخواهیم به‌عنوان یک محقق در این وادی وارد شویم، باید بدانیم آیا معاد و حشر انسان جسمانی است یا صرفاً روحانی؟ در این عالم لذت و رنج از گذر حس و جسمانی است، اما باید ببینیم در عالم متافیزیک لذت و عذاب حسی است، تخیلی است یا عقلی؟ لذت‌ها و عذاب‌ها در عالم متافیزیک طبق آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین(علیهم‌السلام) علاوه بر عقلی بودنشان قطعاً جسمانی هم هستند. اکنون سؤال این است که پس از اینکه دانستیم حس در عالم متافیزیک قطعاً قابل مقایسه با این عالم نیست باید تحقیق کنیم که آیا لذتها و عذاب‌ها در متافیزیک خارجی و تجسمی‌اند یا از درون خود انسان برخاسته‌اند؟ که باز در اینجا مباحث مفصلی از نظر آیات و روایات و نظر مفسرین، حکما و فلاسفه مطرح است که باید بررسی شود. سپس قوای شهوانی، سبعی، شیطانی و ملکی در انسان مورد تحقیق قرار گیرد که آیا چنانی که انسان در این عالم نیروی شهوانی دارد آیا در عالم متافیزیک نیز به همین صورت با او خواهد بود؟ اساساً قوای شهوانی، سبعی، شیطانی و ملکی هر کدام چرا و برای چه هدفی در درون انسان نهاده شده‌اند؟ آیا این قوا باید نابود شوند یا باید در جدول صحیح به صورت بالفعل در آیند؟ سپس باید تحقیقی بر غایت خلقت داشته باشیم و هدف از مبدأ و معاد را بدانیم. بدانیم که این سیر زندگی و فراز و نشیب‌های آن و پس از آن مرگ و قبر و قیامت در پی چه حقیقتی است؟ سپس بحث زیبای ملاصدرا پیرامون حقیقت بهشت و جهنم و دیواره‌های آن در جلد نهم اسفار ملاصدرا پاسخگوی ما و شما خواهد بود.

منبع: اسفار، جلد نهم، ص 100؛ رساله مقامات و منازل انسان (بارقه 6) حاصل بخشی از تدریس و تحقیقات محقق و فیلسوف متأله استاد سیدعلی موسوی ذیل جلد نهم اسفار و استنساخ از بخش پرسش و پاسخ سایت معظم له

